



امیرعباس رییعی از تجربه ساخته «ضد» به روزنامه ایران گفته است

# روایت تفکرات شهید بهشتی از زبان دشمنش

**چهره روز -** به بهانه حضور امیر آقایی در «خائن کشی» و «بی مادر» عیار ۱۸

**گپ روز -** حمید شاه حاتمی از نخستین تجربه مستقل سینمایی اش می گوید **قصه برخاستن و در خاک نماندن**

صفحه ۱۵-۱۴

صفحه ۱۴

سپیده شریعت رضوی

خبرنگار

امیرعباس رییعی می گوید «ضد» فردی نفوذی را که مأموریت ترور شهید بهشتی به او سپرده می شود، روایت می کند البته در فرایند قصه تا جایی که نیاز بود و ضرورت درام اقتضای کرد از زبان دشمن شهید بهشتی، تفکرات، منش و طرز فکر ایشان تا حدودی در فیلم مطرح می شود. «من به سوزهای سیاسی و این ژانر علاقه مندم. این روند را از فیلم های کوتاه هم شروع کرده ام و در آینده هم علاقه به ساخت فیلم در این فضا دارم.» این جملات بخشی از گفته های امیرعباس رییعی فیلمساز جوانی است که در نشست خبری اولین ساخته بلند سینمایی خود یعنی «لباس شخصی» آن را مطرح کرد. رییعی در دومین گام فیلمسازی خود در همکاری با سازمان سینمایی حوزه هنری دست روی یک موضوع سیاسی گذاشته است که کمترین اثری در سینما بدان پرداخته و شاید بتوان گفت یکی از موضوعات مغفول در سینماست. «ضد» دومین اثر این فیلمساز تازه کار در بستر التهابات کشور در تابستان سال ۱۳۶۰ می گذرد و درباره یک عشق در دل حوادث سیاسی است که پس از سال ها دوباره شعله ور می شود. این فیلم سینمایی در حقیقت به مسأله نفوذ از زاویه دیگری توجه کرده است تا بتواند مخاطب را با خود همراه کند و آن هم روایت داستان در بستر درام عاشقانه است. از سوی دیگر «ضد» را می توان اولین اثری نامید که به برخی از ویژگی های شخصیتی شهید بهشتی و ماجرای انفجار دفتر حزب جمهوری پرداخته است. یکی دیگر از ویژگی های این فیلم سینمایی حضور نادر سلیمانی در نقشی متفاوت با یک گرم جدید و مهدی نصرتی در نقش کاراکتر اصلی قصه یعنی «سعید امیریان» است. در حقیقت «ضد» دومین همکاری نصرتی پس از «لباس شخصی» با امیرعباس رییعی است. لیلیا زارع، لیندا کیانی، مهشید جوادی، مجید پتکی، روزبه نوفی، عماد درویشی، شیرین آقاگاشی، جواد خانی و... از دیگر بازیگران این پروژه هستند. نمایش این فیلم در خانه جشنواره یعنی برج میلاد ما را بر آن داشت تا با امیرعباس رییعی کارگردان اثر گفت و گویی داشته باشیم که در ادامه می خوانید.



«آقای رییعی «ضد» چند ویژگی مهم دارد که یکی از آنها بمب گذاری دفتر حزب است که برای اولین بار در سینما بدان پرداخته می شود. تا چه اندازه به این داستان ورود و از چه زاویه ای به آن نگاه شده است؟

قصه «ضد» در کل درباره انفجار دفتر حزب جمهوری نیست بلکه پس زمینه قصه ما بمب گذاری این مجموعه است. این فیلم سینمایی درباره یک شخصیت و اتفاقات اطراف آن است؛ یک نفوذی که بین عشق و تشکیلات و وظیفه سازمانی اش مانده است و چون به بمب گذاری داخل دفتر حزب مرتبط می شود در پس زمینه نیز به بحث بمب گذاری اشاره و پرداخته شده است. البته اگر فیلمسازي بخواهد درباره بمب گذاری دفتر حزب جمهوری اثر مستقلى بسازد قطعاً جای پرداختن به جزئیات بیشتر را دارد اما هدف «ضد» نبوده است و ما به آنچه که به «سعید امیریان» کاراکتر اصلی فیلم مرتبط شده است، پرداخته ایم.

**بازنمایی شخصیت و منش فکری شهید بهشتی یکی دیگر از ویژگی های مهم این فیلم است. این پرداخت هم برای شما راحت بوده چرا که اثر شما با اثری مقایسه نمی شود و هم سخت بوده چرا که تاکنون فیلمی بدان پرداخته است. درباره این موضوع برلمان توضیح دهید.**

در ابتدا باید بگویم شهید بهشتی یکی از بزرگان تاریخ معاصر کشور است و ایشان به لحاظ شخصیتی و سابقه فعالیتش پیش و پس از انقلاب ابعاد پیچیده، شناخته نشده، مشهود و غیرمشهود زیادی دارد. جا دارد اگر کسی بخواهد درباره ایشان پرتره ای کار کند، سال ها تحقیقات انجام بدهد و زوایای مختلف زندگی ایشان را بررسی



آنچه که مهم است این است که چرا سازمان مجاهدین خلق تصمیم می گیرد با دکتر بهشتی و حزب جمهوری مخالفت کند؟ چرا تصمیم به انفجار دفتر حزب و ترور شهید بهشتی و یارانش می گیرد و... بخش هایی از این چرایی ها در فیلم از زبان مخالفان این شخصیت کلیدی نظام بیان شده و در حدی که نیاز درام ما بوده بدان پرداخته شده است



در قالب یک فیلم سینمایی نمی گنجد و شاید بتوان گفت در یک نسخه سریال می توان حق مطلب را نسبت به ایشان ادا کرد از سوی دیگر باید بگویم که «ضد» اصلاً درباره زندگی و تفکرات شهید بهشتی نیست بلکه قصه یک نفوذی در دفتر حزب جمهوری را روایت می کند و از این طریق به بخشی از تفکرات ایشان می پردازد. حتی پرداختن جزئیات علت مخالفت ایشان با سازمان مجاهدین خلق یا با شخص بنی صدر اثر دیگری را می طلبد.

لازم است بگویم تا حدی که درام قصه اجازه می داد به این قضایا پرداخته



عکس: کوش جوان

دقیقاً قرار است به چه چیزی اشاره کند؟ آیا آنچه که در فیلم روایت می شود کاملاً مطابق با واقعیت است؟

مسأله نفوذ از فیلم «لباس شخصی» دغدغه من بوده است و قصد داشتم به این مسأله اشاره کنم که نفوذ باقی ست و یک جریان مهم در کشور است بویژه بحث نفوذ سازمان مجاهدین خلق که بخش در تاریخ ما کاملاً جدی ست یعنی نفوذ یک جاسر باز زده و با ترور شخصیت ها خود را نشان داده است و پس از آن باتوجه به اینکه سازمان مجاهدین خلق زیرضربه نیروهای امنیتی قرار می گیرد تحلیل اهالی فن این است که جلوی نفوذ به طور کامل گرفته نشد و تعداد نفوذی های سازمان مجاهدین خلق در بدنه حکومت همان بود که دست به ترور زدند. وقتی شخصیت هایی در ارکان های مهم مانند حزب جمهوری و نهادهای دیگر می توانند نفوذ پیدا کنند و کسانی مانند شهید بهشتی، شهید رجایی، شهید باهنر و... را ترور کنند طبیعتاً تعداد دیگری در این ماجرا دخیل هستند و گرنه بودن چنین آدم هایی در این ارکان مهم و تأثیرگذاری نامحسوس شان در این جریانات می تواند با اهمیت بشود که با ترور یک یا دو شخصیت سوخت نروند.

در حقیقت کسانی که با ترور شخصیت های مهم خود را از بین می برند، گزینه های جایگزین و بارقه های بالاتری وجود دارد که چون سازمان با آن آشناست از این موارد دست می کشد و به آنها مأموریت ترور می دهد در اثر من نیز همین موضوع مطرح می شود و می گوید نفوذ همچنان در ارکان نظام باقی است و ما سعی کردیم این موضوع را به شیوه متفاوت تر از آنچه در «لباس شخصی» بیان کردیم، مطرح کنیم.



من دیگه کو مارادونا هستم

مکمل زن» را سحر دولتشاهی برای بازی در فیلم عصر یخبندان و سیمرغ بلورین «بهترین بازیگر نقش مکمل مرد» را هومن سیدی برای فیلم «من دیه گو مارادونا هستم» دریافت کردند. از جمله حواشی این دوره بیانیه انجمن عکاسان سینمای ایران بود که در واکنش به حذف سیمرغ بلورین بهترین عکس از بخش جوایز صورت گرفت. گفتنی است بخش بزرگداشت این دوره به محمدعلی کشاورز و حسین جعفریان اختصاص یافته بود.

حسین گرمی، محمدعلی باشه آهنگر، محمد احسانی، مجید رضاییلا و بهنام بهزادی به عنوان اعضای هیأت انتخاب آثار بخش سینمای ایران و مجید مجیدی، عبدالله اسکندری، محمد بزرگنیا، عزیز ساعتی، علیرضا شجاع نوری، جواد طوسی و مهتاب نصیریپور به عنوان هیأت داوران بخش سودای سیمرغ سی و سومین جشنواره فیلم فجر، داوری آثار را برعهده داشتند. سیمرغ بلورین «بهترین

بر عهده داشتند، در مرکز همایش های برج میلاد برگزار شد. فیلم محمد رسول الله به کارگردانی مجیدی نیز به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره پخش شد. در این دوره، فیلم رخ دیوانه به عنوان بهترین فیلم، ابوالحسن داوودی بهترین کارگردانی، سعید آقاخانی بهترین بازیگر نقش اول مرد و باران کوشی جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کردند. احمد امینی، رسول صدرعاملی،

**ایلیا داوودی:** سی و سومین دوره جشنواره فیلم فجر با دبیری علیرضا داد برگزار شد و مجید مجیدی ریاست هیأت داوران سینمای ایران را برعهده داشت. مراسم اهدای جوایز که اجرای آن را محمدرضا شهیدی فرد و مهراڻ مدیری

**گاهشمار جشنواره**  
سی و سومین دوره  
بهمن ۱۳۹۳